

Research Paper

A Comparative Study of Liability Arising from Third Party Intellectual Property Right or Claim on Goods in 1980 Vienna Convention and Iranian Law

Mohammad Hossein Taghipour Darzi Naghibi¹, Hamid Abhari², Mohammad Farzanegan³

¹ Assistant Professor, Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

² Professor, Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

³ Assistant Professor, Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, University of Mazandaran, Babolsar, Iran



10.22080/LPS.2022.23026.1303

Received:

January 20, 2022

Accepted:

February 11, 2022

Available online:

February 14, 2022

Keywords:

Lack of legal conformation, Third party claim, Intellectual property, Vienna Convention, Iranian Law

Abstract

With regard to Article 42 of the Convention, vendor's failure to deliver goods as the subject matter of the third party intellectual property right or claim, is considered as breach of his obligation to transfer goods ownership. Thus, to deliver goods which is the subject matter of the third party intellectual property right or claim, is an example of the lack of consistency of goods with the contract. The ways of compensating for the lack of conformation of goods in Articles 46, 50 and 51 of the Convention are also applicable to goods subject to the intellectual property right or claim of the third party. Contrary to the Convention, in Iranian Law, there is no distinction between the rights and claims of the third parties arising from the intellectual property and other ones. Hence, according to Articles 390 and 391 of the Civil Code, if the goods are entitled to another in whole or in part, the vendor must refund the price to the buyer and if the buyer is unaware, the seller must pay all the damages, too.

***Corresponding Author:** Mohammad Hossein Taghipour Darzi Naghibi

Address: Assistant Professor, Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, University of Mazandaran, Babolsar, Iran **Email:** mh.taghipour@umz.ac.ir



Extended abstract

1. Introduction

One of the issues raised by the growing trade relations and the wide range of intellectual and industrial property rights in relation to goods subject to international transactions is the seller's liability for claims and rights raised by the third parties over their infringement of the property. The question that arises is that if a third party claims against the buyer that the buyer's use of the seller violates his intellectual property rights, what is the responsibility of the seller towards the buyer? Article 42 of the Convention on the International Sale of Goods provides that: 1- The seller must deliver goods which are free from any right or claim of a third party based on the industrial property or other intellectual property, of which at the time of the conclusion of the contract the seller is aware, provided that the right or claim is based on the industrial property or other intellectual property. In this context, this question arises that what is meant by intellectual property in the Convention? Although Articles 45-52 set out different methods of compensation for breach of sellers' commitment, there are no explicit provisions regarding the compensation methods about the right or claim of a third party resulting from the intellectual property.

2. Methods

The present research uses library data and receipts and classifies them according to the subject matter.

3. Conclusion

According to Article 42 of the Vienna Convention and Articles 390 and 391 of the Iranian Civil Code, the surrender of the goods that is the right or claim of the third

person is the breach of obligation to transfer the ownership of the goods and its surrender. As a result, if the seller delivers a product that is not immune from the rights or claims of a third party, he is liable to the customer. In addition, if the buyer is aware that the seller is the subject of a right or claim of the intellectual property of a third party, the seller is not liable for damages. Apart from these similarities, there is no reference in the Iranian Law to the protection of goods from the rights or claims of the third parties resulting from the industrial property or other types of intellectual property. Therefore, the seller's liability for the rights and claims of the third party intellectual property must be inferred by analogy with the rights or claims of the third parties arising from the non-intellectual property. However, according to Articles 41 and 42 of the Convention, it separated the right and claim of a third party arising from the intellectual property from the right of third party arising from the non-intellectual property. On the other hand, in the Convention, for the application of the rule of legal conformity of goods with the contract, it does not matter whether the subject of the transaction is specific or general.

Finding

There is no funding support.

Authors' contribution

All the authors have participated equally.

Conflict of interest

Authors declared no conflict of interest

Acknowledgments

Thanks to all the consultants.

علمی پژوهشی

مطالعه تطبیقی ضمان ناشی از حق یا ادعای مالکیت فکری ثالث بر مبیع در کنوانسیون وین ۱۹۸۰ و حقوق ایران

محمدحسین تقی پور درزی نقیبی^{۱*}، حمید ابهری^۲، محمد فرزنانگان^۳

^۱ استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران
^۲ استاد گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران
^۳ استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران



10.22080/LPS.2022.23026.1303

چکیده

با توجه به ماده‌ی ۴۲ کنوانسیون وین، عمل بایع در تحویل مبیعی که موضوع حق یا ادعای مالکیت فکری ثالث می‌باشد، در واقع نقض تعهد او در مورد انتقال مالکیت مبیع است. در نتیجه، تحویل مبیعی که موضوع حق یا ادعای مالکیت فکری ثالث باشد، مصداق عنوان عدم مطابقت کالا با قرارداد است و طرق جبرانی مقرر برای کالاهای غیرمنطبق در مواد ۴۶، ۵۰ و ۵۱ کنوانسیون، قابل اعمال بر کالاهای موضوع حق یا ادعای ثالث ناشی از مالکیت فکری می‌باشد. برخلاف کنوانسیون، در حقوق ایران تمایزی بین حقوق و ادعاهای شخص ثالث ناشی از مالکیت فکری و غیر آن وجود ندارد. بنابراین با توجه به مواد ۳۹۰ و ۳۹۱ قانون مدنی، در صورت مستحق‌الغیردرآمدن مبیع به صورت کلی یا جزئی، بایع ملزم به استرداد ثمن به خریدار است و در صورت جهل مشتری، بایع ضامن پرداخت کلیه‌ی غرامات وارده به وی است.

تاریخ دریافت:

۳۰ دی ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش:

۲۲ بهمن ۱۴۰۰

تاریخ انتشار:

۱۰ اسفند ۱۴۰۰

کلیدواژه‌ها:

عدم مطابقت حقوقی؛ ادعای ثالث؛ مالکیت فکری؛ کنوانسیون وین؛ حقوق ایران

* نویسنده مسئول: محمدحسین تقی پور درزی نقیبی

ایمیل: mh.taghipour@umz.ac.ir

آدرس: استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران



۱ مقدمه

یکی از مسائلی که باگسترش روزافزون روابط تجاری از یک طرف و گستره‌ی حقوق مالکیت فکری و صنعتی راجع به کالاهای موضوع معاملات بین‌المللی از طرف دیگر مطرح می‌شود، بحث مسؤلیت فروشنده نسبت به ادعاها و حقوقی است که اشخاص ثالث مبنی بر نقض مالکیت فکریشان بر مبیع مطرح می‌کنند. سؤالی که مطرح می‌شود این است که اگر شخص ثالثی در برابر خریدار ادعا نماید که استفاده‌ی خریدار از مبیع، حق مالکیت فکری وی را نقض می‌کند، فروشنده‌ی مبیع در برابر خریدار چه مسؤلیتی خواهد داشت؟ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در ماده‌ی ۴۲ مقرر می‌دارد: «۱- بایع باید کالایی را تحویل دهد که از هرگونه حق یا ادعای شخص ثالث ناشی از مالکیت صنعتی یا سایر انواع مالکیت معنوی که هنگام انعقاد قرارداد بایع از آنها مطلع بوده یا نمی‌توانسته است نسبت به آنها بی‌اطلاع باشد، مصون باشد». در این زمینه، این سؤال مطرح می‌شود که منظور از مالکیت فکری در کنوانسیون چیست؟ با اینکه کنوانسیون در مواد ۴۵ تا ۵۲، شیوه‌های جبرانی متفاوتی را برای نقض تعهد از سوی بایع مقرر کرده است، اما در رابطه با طرق جبرانی موضوع حق یا ادعای ثالث ناشی از مالکیت فکری، صریحاً مقرره‌ای پیش‌بینی نشده است.

در حقوق ایران درباره‌ی حقوق و ادعاهای مبتنی بر مالکیت فکری ثالث و امتیازات انحصاری بر مبیع، نص خاصی وجود ندارد. به عبارت دیگر، تفاوتی میان حق یا ادعای ثالث ناشی از مالکیت فکری یا غیرفکری پیش‌بینی نشده است.

به نظر می‌رسد چنانچه کالا مطابقت حقوقی با قرارداد نداشته باشد، ضمانت اجرای کنوانسیون عبارت است از: درخواست اجرای عین تعهد، مطالبه-ی خسارت و ضرر و زیان، تقلیل ثمن و فسخ قرارداد. در حقوق ایران در فرض مستحق‌الغیردرآمدن مبیع

و عدم تنفیذ مالک حق فکری، معامله باطل بوده و مشتری علاوه بر استرداد ثمن، در فرض عدم آگاهی می‌تواند خسارت را نیز مطالبه کند. علاوه بر این اگر شخص ثالث صرفاً ادعایی بر مبیع ناشی از مالکیت فکری داشته باشد و مزاحمت‌های عملی برای استفاده‌ی خریدار ایجاد نماید و این امر پیش از تسلیم مبیع به خریدار باشد، خریدار حق فسخ قرارداد را خواهد داشت.

در قسمت اول این تحقیق به بررسی مفهوم حق یا ادعای مالکیت فکری ثالث پرداخته می‌شود و در قسمت بعد، شرایط ماهوی و شکلی لازم برای استناد به مسؤلیت بایع در قبال عدم مطابقت حقوقی ناشی از مالکیت فکری ثالث بیان خواهد شد و درنهایت، ضمانت اجرای عدم مطابقت حقوقی ناشی از مالکیت فکری ثالث در کنوانسیون وین و حقوق ایران تحلیل می‌شود.

۲ مفهوم حق یا ادعای مالکیت فکری ثالث

مفهوم حق یا ادعای مالکیت فکری و صنعتی در کنوانسیون وین تعریف نشده است. با توجه به ماده‌ی ۴۲ کنوانسیون، خصوصاً عبارت «مالکیت صنعتی یا سایر انواع مالکیت فکری» مشخص می‌شود که از دیدگاه کنوانسیون، مالکیت صنعتی شاخه‌ای از مالکیت فکری است. به همین دلیل، کافی است که مالکیت فکری تعریف گردد که به تبع آن مفهوم مالکیت صنعتی نیز روشن شود (Enderlein & Maskow, 1992: 168). طبق بند ۱ ماده‌ی ۷ کنوانسیون وین، تفسیر ماده‌ی ۴۲ کنوانسیون و تعریف مالکیت فکری، باید با توجه به ویژگی بین‌المللی کنوانسیون صورت گیرد. بنابراین، برای تعریف مالکیت فکری، مراجعه به کنوانسیون حمایت از مالکیت صنعتی پاریس، کنوانسیون برن

۱. اولین سند بین‌المللی راجع به مالکیت صنعتی، کنوانسیون ۱۸۸۳ پاریس است. کنوانسیون ۱۸۸۳ پاریس آماده

امضا شد که تا ۱۵ فوریه ۲۰۰۷، ۱۷۱ کشور به این کنوانسیون پیوستند (http://www. Wipo. int). ایران براساس «قانون..

شده است. به همین دلیل ممکن است حقوق دیگری همانند اسامی و حقوق مربوط به شخصیت که در تعریف وایپو نیامده است، بخشی از تعریف مالکیت فکری در چارچوب ماده‌ی ۴۲ کنوانسیون وین باشد. از طرف دیگر کمیسیون آنسیترا برای محدود ساختن مسؤولیت فروشنده اصرار دارد که بایع باید لزوماً بتواند حدود مسؤولیت خود را بداند. در نتیجه محدودیت‌هایی مثل لزوم ثبت حق شخص ثالث برای مسؤولیت فروشنده ضروری باشد (Kritzer, 1989: 328).

۲/۱ مصادیق مالکیت فکری

حقوق مالکیت فکری از حیث مصداق به دو بخش عمده‌ی مالکیت ادبی و هنری و مالکیت صنعتی و تجاری تقسیم می‌شود. مالکیت ادبی و هنری عبارت است از حق بهره‌برداری مطلق و انحصاری موقتی شخص از آثار فکری خود در زمینه‌های علمی، ادبی و هنری که دارای ارزش مادی و معنوی هستند (اصغری آقمشهدی، ۱۳۹۱: ۵۰) در ماده‌ی ۲ قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ مصادیق اثر ادبی در ۱۲ بند بیان شده است و قانون‌گذار آثاری را که تحت حمایت قانون مزبور قرار می‌گیرد نام برده است. این آثار از حیث موضوع به آثار ادبی، هنری و نرم‌افزاری تقسیم می‌شود. آثار ادبی به دو دسته‌ی نوشته و شفاهی تقسیم می‌شود. آثار نوشته یا اصلی است مثل کتاب، رساله، شعر و ترانه و ... و یا تبدیلی است مانند ترجمه، اقتباس و تلخیص. آثار شفاهی نیز شامل سخنرانی، خطابه و کنفرانس می‌شود. آثار هنری نیز مانند اثر سمعی و بصری، عکاسی، معماری، موسیقی، هنرهای دستی و صنعتی و غیره می‌باشد. پدیدآورنده‌ی آثار ادبی و فکری به موجب

در حمایت از آثار ادبی و هنری^۱ و کنوانسیون سازمان جهانی مالکیت فکری (وایپو)^۲ که بیانگر اجماع جامعه‌ی بین‌المللی در مورد حقوق مالکیت فکری هستند، کارگشا خواهد بود.

در کشور ما در ماده‌ی ۱ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ آمده است: «از نظر این قانون به مؤلف و مصنف و هنرمند، پدیدآورنده و به آنچه از راه دانش یا هنر و یا ابتکار آنان پدید می‌آید، بدون در نظر گرفتن طریقه یا روشی که در بیان و یا ظهور و یا ایجاد آن به کار رفته "اثر" اطلاق می‌شود». در واقع حقوق مالکیت فکری، مجموعه‌ای از حقوق پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری یا فعالیت‌های صنعتی و تجاری است که ناشی از ابتکار و خلاقیت ذهنی آنان است (حمیتی واقف، ۱۳۹۰: ۴).

در هر حال، حقوق مالکیت معنوی در معنای وسیع عبارت است از حقوق ناشی از آفرینش‌ها و خلاقیت‌های فکری در زمینه‌های علمی، صنعتی، ادبی و هنری (بند ۸ ماده‌ی ۲ کنوانسیون وایپو) تعریف ارائه شده از سوی وایپو در برگزیده‌ی کلیه‌ی حقوقی است که وجودشان ناشی از فعالیت فکری بشری در حوزه‌های صنعت، علم، ادبیات و هنر است.^۳ بنابراین، منظور از مالکیت فکری مندرج ماده‌ی ۴۲ کنوانسیون وین، هر نوع حقی است که از خلاقیت و ابتکار فکری که دارای ارزش مالی است حمایت می‌کند. خلاقیتی که متعلق به کالای مادی است و قادر است در استفاده و فروش مجدد کالا مداخله نماید (امامی، ۱۳۸۶: ۷۳ و ۹۵ و دراهوس، ۱۳۹۱: ۳۱ و آیتی، ۱۳۷۵: ۶۰).

از یک طرف ماده‌ی ۴۲ کنوانسیون وین در جهت تضمین استفاده‌ی بی‌قید و شرط خریدار از مبیع وضع

کشور جهان به این کنوانسیون

پیوستند (http://www.Wipo.int).

² World Intellectual Property Organization (WIPO)

³ "all...rights resulting from intellectual activity in the industrial, scientific, literary, or artistic fields". Janal, 2008: 207

...اجازه‌ی الحاق دولت ایران به اتحادیه‌ی عمومی بین‌المللی معروف به پاریس برای حمایت مالکیت صنعتی و تجاری و کشاورزی مصوب اسفند ماه ۱۳۳۷، به کنوانسیون پاریس ملحق شد.

^۱ کنوانسیون برن در سال ۱۸۸۶ به تصویب نمایندگان ده کشور رسید و آمده‌ی امضا و الحاق شد که تا ۳۰ آگوست ۲۰۰۶، ۱۶۳

است (Rauda & Etier, 2000: 38-39) و صفائی و دیگران، (۱۳۸۴: ۲۰۲). چراکه امکان بالقوه‌ی طرح شکایت از سوی شخص ثالث سبب می‌شود تا خریدار نتواند در مبیع تصرف دلخواهش را نماید. به خصوص، زمانی که آگاه است که ثالث، ممکن است دعوایی علیه وی مطرح و خواستار از بین بردن مبیع تحت تصرفش گردد. با این دیدگاه، می‌توان بر این نظر بود که مقصود از وضع ماده‌ی ۴۲، جلوگیری از طرح دعوای شخص ثالث علیه خریدار است؛ چراکه دفاع در برابر هر نوع دعوایی خواه بی‌اساس و واهی باشد، خواه موجه، هزینه‌بر و وقت‌گیر است و برای خریدار دشوار است که ارزیابی نماید که آیا دعوای مطرحه بی‌پایه است یا خیر و اینکه آیا خریدار با وجود چنین دعوایی باید استفاده از مبیع را متوقف سازد یا خیر. در نتیجه فروشنده در برابر هرگونه ادعایی از جانب ثالث مسؤولیت دارد (Ackerman, 1992: 111 & Lookofsky, 2000: 41-5). بنابراین، حتی اگر ادعای ثالث در محکمه اثبات نشده و تبدیل به حق نگردد، مسؤولیت فروشنده در برابر خریدار ایجاد می‌گردد.^۱

با توجه به ظاهر ماده‌ی ۴۲ که براساس آن، فروشنده متعهد به تسلیم مبیع عاری از هر نوع حق یا ادعای شخص ثالث است، مشخص می‌شود که زمان تسلیم مبیع ملاک بررسی وجود مالکیت فکری ثالث در مبیع است. لذا زمان شروع مسؤولیت فروشنده زمان تسلیم است نه انعقاد (Schwerha, 1995: 445). در نتیجه هرگاه ثالث قبل از تسلیم مبیع به خریدار و بعد از عقد حقی را تحصیل نماید، فروشنده مسؤول است. حال اگر دعوای ثالث پس از تسلیم مبیع مطرح گردد، می‌توان مسؤولیت فروشنده را تا جایی پیش برد که پایه و اساس ادعای ثالث به قبل از تسلیم مبیع باز می‌گردد.^۲

ماده‌ی ۱۴ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان می‌تواند تا سی سال حقوق مادی مربوط به اثر خود را به دیگران منتقل نماید.

مالکیت صنعتی عبارت است از حق بهره‌برداری مطلق و انحصاری به‌طور موقت برای شخص از آفریده‌های فکری خود در عرصه‌ی صنعت و تجارت (اصغری آقمشهدی، ۱۳۹۱: ۶۵). مالکیت صنعتی از اختراعات، علائم تجاری، طرح‌های صنعتی، نشان مبدأ جغرافیایی، مدل‌های مصرفی، مدارهای یکپارچه، نرم‌افزارهای رایانه‌ای و اسرار تجاری حمایت می‌کند.

برخلاف آثار ادبی و هنری در شاخه‌ی مالکیت صنعتی ثبت اثر عموماً شرط برخورداری از حمایت قانونی است و لذا مالک اختراع (بند الف ماده‌ی ۱۵ قانون ثبت اختراعات)، طرح صنعتی (بند الف ماده‌ی ۲۸ قانون ثبت اختراعات)، علامت تجاری (ماده‌ی ۳۱ قانون ثبت اختراعات) و اسم تجاری (ماده‌ی ۵۷۸ قانون تجارت) باید اثر خود را در ایران به ثبت برسانند تا از حمایت قانونی برخوردار گردند.

۲،۲ مسؤولیت فروشنده ناشی از عدم مطابقت در رابطه با حق یا ادعای مالکیت فکری ثالث

نکته‌ی قابل توجه اینکه، در مورد ادعای شخص ثالث مهم نیست که مبنای ادعا یک حق موجود باشد یا خیر. بلکه حکم ماده‌ی ۴۲ کنوانسیون، حتی شامل یک ادعای بی‌اساس و بی‌مبنا نیز می‌گردد. صرفاً همین کفایت که در بهره‌برداری و استفاده‌ی خریدار از مبیع، خلل ایجاد نماید. به‌علاوه، ضرورتی ندارد که ادعای ثالث در محکمه طرح گردیده باشد تا خریدار بتواند در برابر بائع به آن استناد نماید. صرفاً کفایت که در برابر خریدار مطرح گردد؛ مگر اینکه اثبات گردد، خریدار با ثالث تبانی نموده

^۱ برای دیدن نظر مخالف که معتقد است مسؤولیت بائع، صرفاً شامل ادعاهایی می‌گردد که شخص ثالث ذی‌حق باشد. ر.ک. Schlechtriem, 1986: 73-74

^۲ برای دیدن نظر موافق. ر.ک. Janal, 2008: 210 و برای دیدن نظر مخالف که ملاک وجود حق یا ادعای ناشی از مالکیت فکری ثالث را در زمان انعقاد قرارداد می‌دانند. ر.ک. Ackerman, 1992, : 6-41 & Enderlein & Maskow, 1992: 166

صنعتی، بحثی جدا و ویژه نسبت به دیگر حقوق و دعاوی است (Date-Bah, 1987: 320) و جمعی از نویسندگان، (۱۳۷۴: ۱۵۲) و^۲ در این قسمت ذیل دو بحث جداگانه، شرایط ماهوی و شکلی لازم برای استناد به مسؤلیت بایع در قبال عدم مطابقت حقوقی ناشی از مالکیت فکری ثالث بیان می‌شود.

۲،۳،۱ شرایط ماهوی مسؤلیت بایع در قبال ادعاها یا حقوق مالکیت فکری شخص ثالث

براساس ماده‌ی ۴۲ کنوانسیون، از لحاظ ماهوی، چهار شرط لازم است تا بایع در قبال ادعاها یا حقوق اشخاص ثالث ناشی از مالکیت‌های صنعتی و سایر انواع مالکیت‌های فکری، مسؤل گردد.

۲،۳،۲ آگاهی بایع از ادعاهای شخص ثالث

مطابق بند ۱ ماده‌ی ۴۲ کنوانسیون، بایع باید در زمان انعقاد قرارداد از حقوق یا ادعاهای شخص ثالث ناشی از مالکیت صنعتی یا سایر انواع مالکیت‌های فکری آگاه بوده یا نمی‌توانسته بی‌اطلاع باشد، تا مسؤل قلمداد شود. چنین قیدی بیشتر به نفع فروشنده و محدودکننده می‌باشد (صدیقی، ۱۳۷۰: ۲۸۹). به‌طور مثال، ادعای ثالث مبتنی بر درخواست حق تألیف یا یک نوع حق اختراع ثبت‌شده در کشور فروشنده باشد (Honnold, 1991: 312).

واژه‌ی آگاهی نیاز به توضیح خاصی ندارد. اگر فروشنده بداند که حقی در کشور مورد نظر طرفین وجود دارد، باید این واقعیت را به اطلاع خریدار برساند تا از مشکلات بعدی احتراز گردد. منظور بند ۱ ماده‌ی ۴۲ از "نمی‌توانسته ناآگاه باشد" چیست؟ آیا فروشنده تعهدی فرعی بر جست‌وجوی حقوق بالقوه در کشور مورد نظر طرفین عقد را دارد؟

عدم مطابقت ناشی از حق یا ادعای مالکیت فکری ثالث در صورتی سبب مسؤلیت فروشنده در برابر خریدار می‌گردد که شرایطی جمع شود که در قسمت اول به بررسی این شرایط پرداخته می‌شود. در قسمت دوم، در صورت اجتماع این شرایط و مسؤلیت فروشنده، ضمانت اجرای نقض تعهد فروشنده بیان می‌گردد.

۲،۳ شرایط مسؤلیت بایع در قبال ادعاها یا حقوق مالکیت فکری شخص ثالث

مطابقت حقوقی کالا با قرارداد به این مفهوم است که بایع باید کالایی را تسلیم مشتری نماید که فارغ از هرگونه حق یا ادعای شخص ثالث باشد و شخص ثالث نسبت به کالای تسلیمی، حق یا ادعایی نداشته باشد. بنابراین، چنانچه بایع نسبت به اجرای چنین تعهدی تخطی نماید، تعهد خود را مبنی بر تحویل کالای منطبق از حیث بری بودن از عیوب حقوقی نقض خواهد نمود (گروهی از مؤلفان، ۱۳۸۶: ۲۰).

ماده‌ی ۴۱ و ۴۲ کنوانسیون، حدود مطابقت حقوقی کالا با قرارداد را مقرر نموده است. در ماده‌ی ۴۱ قاعده‌ی کلی بیان گردیده است. براساس ماده‌ی مذکور، بایع باید کالایی را که مصون از هرگونه حق یا ادعای شخص ثالث باشد، تسلیم کند. چنانچه ادعا ناشی از مالکیت صنعتی یا سایر انواع مالکیت معنوی باشد، ماده‌ی ۴۲ اعمال می‌گردد. تفاوت قائل شدن بین دعاوی و حقوق شخص ثالث که مربوط به مالکیت معنوی یا صنعتی است با دیگر حقوق و دعاوی، چنانکه یکی از هیأت‌های نمایندگی کنفرانس وین به آن اشاره کرده است، اینگونه توجیه می‌گردد که حقوق و دعاوی مربوط به مالکیت معنوی و

۱- جهت مطالعه‌ی بیشتر در خصوص توجیه و لزوم تفکیک مقررات حقوق و ادعای شخص ثالث به‌طور کلی (ماده‌ی ۴۱ کنوانسیون وین) و حقوق و ادعاهای شخص ثالث ناشی از مالکیت فکری (ماده‌ی ۴۲ کنوانسیون وین) ر.ک: Date-Bah, 1987: 320.

۲- جهت مشاهده‌ی مهم‌ترین تفاوت‌های حقوق و ادعای شخص ثالث به‌طور کلی (ماده‌ی ۴۱ کنوانسیون وین) و حقوق و ادعاهای شخص ثالث ناشی از مالکیت فکری (ماده‌ی ۴۲ کنوانسیون وین) ر.ک: Enderlein & Maskow, 1992: 166, Huber & Mullis, 2007: 169.



از مالکیت فکری بهتر می‌باشد. بنابراین باید گفت که وظیفه‌ی بایع در تحقیق و بررسی حقوق و ادعاهای مالکیت فکری ثالث برحسب شرایط و اوضاع و احوال و با توجه به ماهیت قراردادهای بیع و نوع فعالیت‌های بایع و خریدار در بازار متفاوت است (Vanduzer, 2001: 187).

در هر حال، بار اثبات این مطلب که بایع در زمان انعقاد قرارداد از حق یا ادعای ثالث آگاه بوده یا نمی‌توانسته ناآگاه باشد، بر عهده‌ی مشتری می‌باشد (UNCITRAL Digest, 2004: art-42).

۲،۳،۳ شناخته‌شده بودن حقوق و ادعاها در قانون تعیین‌شده توسط طرفین یا کشور محل تجارت خریدار

چنانچه طرفین در زمان انعقاد قرارداد، فروش مجدد کالا یا استفاده از آن را به‌نحو دیگر در کشور معینی پیش‌بینی نموده باشند، در این صورت حق یا ادعای مذکور طبق قواعد و قوانین همان کشور ناشی از مالکیت صنعتی یا معنوی است (قسمت الف بند ۱ ماده ۴۲). در سایر موارد یعنی عدم پیش‌بینی کشور معین توسط طرفین، حق یا ادعای مذکور باید طبق قوانین کشور محل تجارت مشتری ناشی از مالکیت صنعتی یا سایر انواع مالکیت‌های معنوی باشد (قسمت ب بند ۱ ماده ۴۲). بنابراین، ماده ۴۲ کنوانسیون برای فروشنده یک تضمین مطلق و جهانی (در سرتاسر جهان) ایجاد نمی‌نماید. لذا بایع فقط بر این اساس که ممکن است در جایی از دنیا نسبت به مبیع حقی ناشی از مالکیت صنعتی وجود داشته باشد، مسؤولیت ندارد، بلکه صرفاً در صورتی مسؤول است که در قلمرو دولتی که مبیع قرار است در آنجا مورد استفاده قرار گیرد، حقوق مزبور به وجود آمده یا ادعا شده باشد، اعم از اینکه به‌صورت فروش مجدد باشد یا به هر صورت دیگری. از قید مذکور در کنوانسیون، تحت عنوان محدودیت سرزمینی نام برده می‌شود (Beline, 2007: 4, Enderlein & Maskow, 1992: 169 و پورپرتو، ۱۳۹۰: ۲۰۶).

برخی از شارحین کنوانسیون معتقدند، بایع موظف است نسبت به حقایق آشکار و نمایان کمال دقت خود را به‌کار بندد و یا نسبت به اطلاعاتی که در هنگام انعقاد قرارداد برای وی فراهم و آماده است، قصور و کوتاهی ننماید. با وجود این کوتاهی بایع در یافتن حقوق ثالث لزوماً به مفهوم فرض آگاهی فروشنده از حقوق ثالث نمی‌باشد، بلکه باید بررسی گردد که آیا عدم اطلاع و آگاهی فروشنده از حق یا ادعای ثالث از قصور و کوتاهی بزرگ و آشکار از ناحیه‌ی وی ناشی شده است یا خیر که این امر با بررسی دقیق شرایط و اوضاع و احوال حاکم مشخص می‌شود. بنابراین طبق این دیدگاه، تعهد مثبتی بر عهده‌ی فروشنده نمی‌باشد تا نسبت به وجود حق یا ادعای ثالث ناشی از مالکیت فکری شخص ثالث تحقیق و جست‌وجو کند (Shinn, 1993: 125, Huber & Mullis, 2007: 176, Honnold, 1991: 295).

اما به نظر می‌رسد که این عبارت "نمی‌توانسته ناآگاه باشد" حاوی یک تعهد فرعی است. انجام این تعهد، نیازمند بررسی وضعیت حقوقی مبیع و اطلاع-رسانی نتیجه‌ی بررسی‌ها به خریدار است. پذیرش عدم وجود این تعهد فرعی، سبب می‌شود که فروشنده همیشه بتواند ادعا کند که از حقوق مالکیت فکری ثالث، اطلاعی نداشته است و تعهد اخلاقی برای جست‌وجو نیز ندارد. بدین ترتیب ماده-۴۲ تمام تأثیر و فایده‌ی خود را از دست می‌داد (Rauda & Etier, 2000: 44, Schlechtriem, 1998: 73).

با وجود این، تعهد بایع در تحقیق و جست‌وجو در خصوص وجود حق یا ادعای شخص ثالث مطلق نبوده و بر حسب شرایط، اوضاع و احوال و نوع حق مالکیت فکری متفاوت است و حتی در برخی مواقع خریدار نیز در وضعیتی یکسان با بایع می‌تواند نسبت به بررسی و تحقیقات لازم اقدام نماید، خصوصاً در فرضی که مشتری از وضعیت بازار داخلی بیشتر و بهتر از بایع آگاهی دارد، وضعیت او برای تحقیق جهت کشف حقوق شخص ثالث ناشی

این شرایط از نقض حقوق ثالث ناآگاه باشد، فروشنده در برابر وی مسؤول نیست.

۲،۳،۵ عدم تبعیت بایع از طرح‌ها و نقشه‌های مشتری

مسؤولیت فروشنده در قبال حقوق یا ادعاهای شخص ثالث ناشی از مالکیت صنعتی یا معنوی منوط به این است که این حقوق یا ادعاها ناشی از تبعیت فروشنده از نقشه‌های فنی، طرح‌ها، فرمول‌ها و سایر مشخصات مشابهی که توسط خریدار تهیه گردیده‌اند، نباشد والا بایع مسؤولیتی در قبال خریدار ندارد (قسمت ب، بند ۲ ماده ۴۲). ضمن اینکه در چنین فرضی مشتری نمی‌توانسته است از نقض حقوق ثالث ناآگاه باشد (Lookofsky, 2000: 112).

نقشه‌های فنی، طرح‌ها، فرمول‌ها و سایر مشخصات مشابه باید توسط خریدار تهیه گردیده باشند، لذا چنانچه موارد مزبور صرفاً به فروشنده پیشنهاد شده باشد و فروشنده در تهیه آن‌ها و پیروی کردن یا نکردن از آن‌ها یا انتخاب یا اجرای آن‌ها دارای اختیار کامل باشد، مسؤولیت فروشنده در برابر خریدار باقی است (Schlechtriem, 1984: 34).

۲،۳،۶ شرایط شکلی مسؤولیت بایع در قبال ادعاها یا حقوق مالکیت فکری شخص ثالث

در حقوق ایران شرطی شکلی برای استناد به عدم مطابقت حقوقی ناشی از مالکیت فکری ثالث، وجود ندارد. اما در کنوانسیون وین، شرط شکلی استناد به عدم مطابقت حقوقی ناشی از مالکیت فکری ثالث، اخطار ظرف مدت متعارف و معقول به بایع است. بند ۱ ماده ۴۳ مقرر می‌دارد: «در صورتی - که خریدار ظرف مدت معقولی پس از آنکه نسبت به حق یا ادعای شخص ثالث آگاه شده یا می‌بایست آگاه می‌شده است، یادداشتی مبنی بر تعیین نوع آن حق یا ادعا جهت بایع ارسال نکند، حق استناد به

۲،۳،۴ ناآگاهی مشتری نسبت به وجود حق یا ادعای شخص ثالث

بایع در صورتی در قبال حقوق و ادعاهای شخص ثالث، ناشی از مالکیت صنعتی یا فکری مسؤول است که مشتری نسبت به وجود حق یا ادعای مذکور، جهل داشته باشد؛ در غیر این صورت، یعنی چنانچه خریدار در هنگام انعقاد قرارداد از حق یا ادعای مزبور مطلع بوده یا نمی‌توانسته بی‌اطلاع باشد، بایع مسؤولیتی نخواهد داشت (قسمت الف بند ۲ ماده ۴۲). در واقع در چنین فرضی بایع طبق قاعده‌ی پذیرش ریسک (اقدام) از سوی خریدار، مسؤول نخواهد بود. این در حالی است که در خصوص وجود حق یا ادعای ثالث مربوط به غیر از مالکیت فکری (ماده ۴۱)، صرفاً در صورتی که خریدار به وجود حق یا ادعای ثالث رضایت دهد، فروشنده از مسؤولیت رهایی می‌یابد (Enderlein & Maskow, 1992: 166).

در ماده ۴۲ کنوانسیون وین علت قید "نمی‌توانسته بی‌اطلاع باشد"، به این دلیل است که از یک طرف، خریدار نمی‌تواند نسبت به وضعیت حقوقی کالا از لحاظ مالکیت فکری در کشور خود ناآگاه باشد و آگاهی او مفروض است؛ از سوی دیگر، عدم اطلاع او از حقوق کشوری که کالا در جریان تجارت خریدار به آنجا برده می‌شود نیز قابل سرزنش است (صفائی و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۵۲).

همان‌طور که برخی از شارحین کنوانسیون بیان داشته‌اند، مشتری در این مورد، تعهدی به تحقیق و جست‌وجو ندارد، بلکه تکلیف دارد که حقوق مالکیت فکری‌ای را که مشهور هستند و یا در رابطه با آن‌ها دلایل جدی و منطقی وجود دارد که چنان حقی ممکن است وجود داشته باشد، نادیده نگیرد (Rauda & Etier, 2000: 55-56). بنابراین به‌طور مثال، در فروش از روی نمونه، چنانچه نمونه کالای ارسالی توسط بایع، متضمن برچسبی باشد که دلالت بر وجود حق ناشی از مالکیت فکری ثالث نماید، به دلیل اینکه مشتری نمی‌توانسته است با



است که خریدار با سپری شدن دو سال از زمان تسلیم، عدم مطابقت مادی کالا را کشف می‌نماید (Beline, 2007: 7).

۲،۴ ضمانت اجرای عدم مطابقت حقوقی ناشی از مالکیت فکری ثالث

کنوانسیون در مواد ۴۵ تا ۵۲، ضمانت اجرای مختلفی را برای نقض تعهد از سوی بایع مقرر کرده است، اما در مورد شیوه‌های جبرانی عدم مطابقت حقوقی ناشی از مالکیت فکری ثالث، صریحاً هیچ مقرره‌ای وضع ننموده است. اگرچه برخی معتقدند، ضمانت اجرای نقض تعهد نیز بدون توجه به نوع آن در ماده‌ی ۴۵ کنوانسیون به‌طور کلی پیش‌بینی شده است و در آنجا تفکیکی میان انواع مختلف نقض تعهد از جانب فروشنده نشده است. (Enderlein & Maskow, 1992: 174). با وجود این، طرق جبرانی مقرر برای کالاهای غیرمنطبق در مواد ۵۰، ۵۱ و بند ۱ ماده‌ی ۴۶ کنوانسیون بر کالاهای موضوع حق یا ادعای مالکیت فکری ثالث قابل اعمال است؛ با این توضیح که برخی ضمانت اجراها مانند درخواست تسلیم بدل کالا از طرف خریدار (تسلیم کالای جایگزین) و تعمیر کالای غیرمنطبق با قرارداد از طرف خریدار (بند ۲ و ۳ ماده‌ی ۴۶) که در خصوص عدم مطابقت مادی کالا با قرارداد می‌باشد، در خصوص عدم مطابقت حقوقی ناشی از مالکیت فکری ثالث قابل اعمال نیستند (Schlechtriem, 1998: 332, Hube & Mullis, 2007: 199).^۲ مطابق تفسیر دبیر کل، ضمانت اجرای مورد اشاره، صرفاً در ارتباط با عدم

مقررات مواد ۴۱ یا ۴۲ را از دست خواهد داد). بنابراین خریدار نه‌تنها باید در یک مدت متعارف اقدام نماید، بلکه باید نوع مزاحمت یا ادعای ثالث را نیز در اخطار مطرح کند (Sono, 1986: 223) و عبودی پور و پرتو، (۱۳۹۰: ۲۰۷).

منظور از مدت معقول و متعارف در ماده‌ی ۴۳ کنوانسیون، کمترین زمان ممکن است. زمان معقول از هنگامی که مشتری از وجود حق یا ادعای ثالث مطلع شده یا می‌بایست مطلع می‌شده است، شروع می‌شود (Enderlein & Maskow, 1992: 171).

اگرچه مشتری زمانی که از حق یا ادعای ثالث آگاه می‌شود، نمی‌تواند با قصور و کوتاهی نسبت به آن بی‌اعتنا باشد، لیکن ضرورتی ندارد، درخصوص این مسأله که آیا شخص ثالث قصد اقامه‌ی دعوا دارد یا خیر، بررسی و تحقیق کند (Enderlein & Maskow, 1992: 171). مشتری صرفاً وقتی به وجود حق یا ادعای ثالث، مطلع فرض می‌گردد که امارات و نشانه‌های عینی دلالت بر وجود حق یا ادعای ثالث نماید (Huber & Mullis, 2007: 177).

برخلاف عدم مطابقت مادی کالا که کنوانسیون در بند ۲ ماده‌ی ۳۹ مهلت دوساله را پیش‌بینی نموده است، در مورد عدم مطابقت حقوقی کالا و مطرح شدن حق یا ادعای ثالث راجع به مالکیت فکری، اعمال ضمانت اجرای مربوط به واسطه‌ی نقض ماده‌ی ۴۲ کنوانسیون از سوی مشتری محدود به زمان خاصی نمی‌باشد؛ زیرا مطرح شدن حق یا ادعای ثالث خارج از اختیار و اراده‌ی مشتری بوده و ممکن است در هر زمان مطرح شود؛ درحالی‌که در خصوص عدم مطابقت مادی کالا فرض بر این

^۱ بند ۲ ماده‌ی ۴۶: «هرگاه کالا منطبق با قرارداد نباشد، مشتری در صورتی می‌تواند تسلیم بدل آن را درخواست نماید که مغایرت کالا متضمن نقض اساسی قرارداد باشد و درخواست بدل کالا از طریق اخطار موضوع ماده‌ی ۳۹ یا ظرف مدت معقولی پس از آن صورت گیرد.» بند ۳ ماده‌ی ۴۶: «هرگاه کالا منطبق با قرارداد نباشد، مشتری می‌تواند از فروشنده بخواهد که عدم انطباق را با تعمیر کالا جبران کند، مگر اینکه چنین درخواستی با توجه به اوضاع و احوال غیرمعقول باشد.

^۲ برای دیدن نظر مخالف ر.ک: will, 1987: 340 و صفایی و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۷۱. علاوه بر این، برخی از مفسران، امکان تحویل کالای جایگزین را در مورد کالاهای موضوع ماده‌ی ۴۱ و ۴۲ را نه بر مبنای ماده‌ی (۲) ۴۶ بلکه بر مبنای ماده‌ی ۳۷ کنوانسیون، امکان‌پذیر می‌دانند. ن.ک: (Enderlein, 1996: 167)

محمدحسین تقی پور درزی نقی، حمید ابهری، محمد فرزنگان. مطالعه تطبیقی ضمان ناشی از حق یا ادعای مالکیت فکری ثالث بر مبیع در کنوانسیون وین ۱۹۸۰ و حقوق ایران

معین است بایع بتواند شخص ثالث را متقاعد کند که از ادعای خود صرف نظر نماید، Honnold,1991: Schlechtriem,1998: 332, 305، عبدی پورو پرتو، ۱۳۹۰: ۲۰۷).

۲،۴،۲ فسخ قرارداد

طبق بند ۱ ماده ۴۹ (قسمت الف)، در صورتی که عدم ایفای هریک از تعهدات بایع به موجب قرارداد یا این کنوانسیون، نقض اساسی قرارداد محسوب شود، خریدار حق فسخ قرارداد را دارد.

ماده ۲۵ کنوانسیون مقرر می‌دارد؛ «نقض قرارداد هنگامی اساسی محسوب می‌شود که منجر به ورود چنان خسارتی به طرف دیگر شود که اساساً وی را از آنچه حق داشته به واسطه قرارداد به آن امیدوار باشد، محروم نماید». باتوجه به ماده ۲۵ کنوانسیون، عدم انطباق باید به اندازه‌ای جدی و شدید باشد که نتوان خریدار را به حفظ کالا الزام کرد و ضمانت اجرای مطالبه‌ی خسارت و تقلیل ثمن نیز به قدر کافی جهت جبران زیان‌های وارده به مشتری کفایت نماید (Ferrari,2006: 503). در مسأله‌ی مورد بحث نیز می‌توان بر این عقیده بود که تسلیم کالایی که موضوع حق یا ادعای مالکیت فکری ثالث است سبب می‌شود که مشتری به طور کلی از آنچه حق داشته به واسطه قرارداد بدان دست یابد، محروم می‌شود. بنابراین، تسلیم مبیع متضمن حق یا ادعای مالکیت فکری ثالث، نقض اساسی قرارداد قلمداد می‌شود؛ مشروط بر اینکه فروشنده در مهلت معقول و متعارف برای رفع نقص (عدم مطابقت)، اقدامی به عمل نیاورد (Schlechtriem,1998: 420).

۲،۴،۳ مطالبه‌ی خسارت

از دیگر ضمانت‌های عدم مطابقت حقوقی مبیع با قرارداد ناشی از مالکیت فکری ثالث، حق مطالبه‌ی خسارت می‌باشد. این حق، یکی از طرق جبرانی

مطابقت مادی کالا با قرارداد قابل اعمال می‌باشند. به دلیل اینکه بند ۲ و ۳ ماده ۴۶ فقط به اخطار داده شده به موجب ماده ۳۹ که در خصوص عدم مطابقت مادی است، اشاره می‌نماید و به اخطار مذکور در ماده ۴۳ که در خصوص حق یا ادعای شخص ثالث می‌باشد، اشاره‌ای نمی‌کند.^۱

بنابراین، ضمانت اجرای عدم مطابقت حقوقی ناشی از مالکیت فکری ثالث عبارت است از اجرای اجباری عین تعهد، فسخ قرارداد، مطالبه‌ی خسارت، تقلیل ثمن است که به صورت جداگانه به تشریح هر کدام پرداخته می‌شود.

۲،۴،۱ اجرای اجباری عین تعهد

چنانچه بایع به تعهد خود مبنی بر تسلیم کالای مصون از حق یا ادعای مالکیت فکری شخص ثالث عمل ننماید، خریدار می‌تواند او را از طریق دادگاه، الزام به انجام تعهد نماید. بند ۱ ماده ۴۶ این حق را به مشتری می‌دهد که ایفای تعهدات بایع را از او درخواست کند. این قاعده در شرایط عدم مطابقت حقوقی ناشی از مالکیت فکری ثالث نیز قابلیت اعمال دارد. بند ۱ ماده ۴۶ کنوانسیون، مقرر می‌دارد: «مشتری می‌تواند ایفای تعهدات بایع را از او بخواهد مگر اینکه به یکی از طرق جبران خسارت که با این درخواست وی منافات داشته باشد، متوسل شده باشد...». برخی شارحین کنوانسیون معتقدند که در مورد تحویل کالاهای موضوع حق یا ادعای ثالث موضوع مواد ۴۱ و ۴۲ نیز می‌تواند مورد استناد قرار گیرد. یعنی خریدار می‌تواند با استناد به ماده ۴۶ (۱)، خواستار ایفای تعهدات بایع تحت مواد ۴۱ و ۴۲ گردد (Honnold,1991: 305).

بنابراین درخواست اجرای عین تعهد به این مفهوم است که مشتری از بایع بخواهد که کالایی را تسلیم نماید که از حقوق و ادعای شخص ثالث رها و عاری باشد (بند ۱ ماده ۴۶) و چنین درخواستی زمانی ممکن است که مبیع کلی باشد و یا اگر عین

¹ Secretariat Commentary is available at: <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg>.



مشتری به عیب در مالکیت باشد، یعنی با علم به وجود حق یا ادعای ثالث کالا را پذیرفته است، در این فرض، وی موظف به اثبات این مسأله خواهد بود (Schlechtriem, 1998: 332& Piliounis, 2000: 23).

۲,۴,۴ تقلیل ثمن

با تأمل در دو ماده‌ی ۴۲ و ۴۳ کنوانسیون می‌توان چنین برداشت کرد که ضمانت اجرای تقلیل ثمن در صورت عدم مطابقت حقوقی میبایع با قرارداد ناشی از مالکیت فکری ثالث نیز می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. نویسندگان حقوقی نیز ضمانت اجرای تقلیل ثمن را به‌طور مطلق در فرضی که میبایع با مشخصات قراردادی مطابق نباشد اعم از عدم مطابقت حقوقی یا عدم مطابقت مادی، حاکم دانسته‌اند (شیروی، ۱۳۸۹: ۱۹۹ و Lookofsky, 2000: 114-115).

علی‌رغم اختلاف نظر در خصوص شمول مقررات ماده‌ی ۵۰ (تقلیل ثمن)، در مورد حقوق و ادعاهای شخص ثالث ناشی از مالکیت فکری،^۱ ماده‌ی ۴۴ کنوانسیون^۲ صراحتاً متضمن ارجاع به مقررات تقلیل ثمن، در فرض وجود حقوق و ادعاهای شخص ثالث ناشی از مالکیت فکری است. ماده‌ای که توسط بسیاری از مفسرین کنوانسیون و دادگاه‌ها مغفول مانده و نادیده گرفته شده است (Liu, 2005: 80-85).

در ماده‌ی ۵۰ کنوانسیون نحوه‌ی تقلیل ثمن مقرر گردیده است. ماده‌ی مذکور بیان می‌کند: «در صورتی که کالای تسلیم‌شده منطبق با قرارداد نباشد و اعم از اینکه ثمن قبلاً تأدیه شده یا نشده باشد، مشتری می‌تواند به نسبت تفاوت ارزش کالای تسلیم‌شده در روز تسلیم و ارزشی که کالای منطبق با قرارداد در روز تسلیم داشته، ثمن را تقلیل دهد. با وجود این، هرگاه بایع مطابق مواد ۳۷ یا ۳۸ هر

مهمی است که در کنوانسیون به‌عنوان یکی از ضمانت اجرای ددرسترس مشتری در نظر گرفته شده است. این طریقه جبرانی در قسمت ب بند ۱ ماده‌ی ۴۵ ذکر شده است و در آن به امکان مطالبه-ی خسارت تحت مقررات مواد ۷۴ و ۷۷ اشاره شده است. مطالبه‌ی خسارت یک طریقه‌ی جبرانی مستقل است که فارغ از ماهیت نقض قرارداد و به صرف ورود خسارت به هریک از طرفین، قابل مطالبه است. علاوه بر این، براساس بند ۲ ماده‌ی ۴۵ کنوانسیون، «استفاده از حق توسل به سایر طرق جبران خسارت، خریدار را از هیچ حقی که ممکن است جهت مطالبه‌ی خسارت داشته باشد، محروم نمی‌نماید». بنابراین، بند ۲ ماده‌ی ۴۵، این نظر را که خریدار ملزم به انتخاب میان مطالبه‌ی خسارت یا یکی از طرق جبرانی نقض قرارداد باشد، رد می‌کند (Flechtner, 2005: 341, Lookofsky, 2000: 116).

ماده‌ی ۷۴ راجع به نحوه‌ی تعیین خسارت مقرر می‌دارد: «خسارت ناشی از نقض قرارداد به‌وسیله‌ی یکی از طرفین عبارت است از مبلغی برابر زیان، از جمله عدم‌النفعی که طرف دیگر بر اثر نقض متحمل شده است...». منظور از مطالبه‌ی خسارت در این مورد، مطالبه‌ی هزینه‌های وارد از ادعایی می‌باشد که از طرف شخص ثالث طرح شده است (Schlechtriem, 1998: 332). بر این اساس این ضمانت اجرا شامل عدم مطابقت حقوقی میبایع با قرارداد ناشی از مالکیت فکری ثالث نیز می‌گردد.

زمانی که شخص ثالث، حق ادعایی ناشی از مالکیت فکری را مطرح می‌نماید، بار اثبات این مطلب که شخص ثالث دارای حق می‌باشد، بر عهده‌ی مشتری است. همچنین چنانچه مشتری ادعای خسارت را مطرح کند، خود وی باید وقوع آن را اثبات نماید. در صورتی که بایع مدعی رضایت

ارسال یادداشت لازم، عذر موجهی داشته باشد، می‌تواند مطابق با ماده‌ی ۵۰، ثمن را تقلیل دهد یا مطالبه خسارت، به-جز عدم‌النفع بنماید».

^۱ جهت مشاهده‌ی نظرات مختلف ر.ک: Liu, 2005, art 50: 79-85

^۲ مطابق ماده‌ی ۴۴ کنوانسیون وین: «با وجود مقررات بند ۱ ماده‌ی ۳۹ و بند ۱ ماده‌ی ۴۳، در صورتی که مشتری برای عدم

درک، باید میان حق مالکیت فکری ثالث و ادعای مالکیت فکری ثالث، قائل به تفکیک بود.

۲،۵/۱ ضمانت اجرای عدم مطابقت حقوقی ناشی از حق مالکیت فکری ثالث

در فرضی که مبیع، مستحق‌الغیر درآید یعنی مبیع، موضوع حق مالکیت فکری یا غیرفکری ثالث درآید و این امر اثبات شود و مالک مال، معامله را تنفیذ ننماید، معامله باطل بوده و مشتری می‌تواند ثمن را مسترد و در فرض عدم آگاهی، خسارت را نیز مطالبه کند. بنابراین، در حقوق ایران، تفاوتی میان مستحق-لغیردرآمدن مبیع خواه ناشی از حق مالکیت فکری ثالث باشد یا غیرمالکیت فکری وجود ندارد.

از طرف دیگر، با توجه به ملاک ماده‌ی ۴۸۹ قانون مدنی و قواعد عام حقوقی، حق ثالث باید به طرفیت بایع و مشتری در دادگاه اثبات شود؛ درحالی‌که براساس کنوانسیون تعهد بایع مبنی بر اینکه کالا مصون از حق شخص ثالث باشد به این مفهوم است که وظیفه‌ی مذکور در این ماده نه‌تنها زمانی‌که اشخاص ثالث ادعایی علیه خریدار مطرح می‌کنند نقض گردیده است؛ بلکه این نقض وظیفه در جایی که این گونه ادعاها بی‌اساس و غیرمعتبرند نیز محقق می‌گردد (Ackerman, 1992: 5-41, Rauda & Etier, 2000: 36) و احتمالاً این گونه ادعاها غیرمعتبر منجر به هزینه‌های زیادی جهت طرح دعوا گردیده که به‌موجب این قاعده خریدار حق دارد در این خصوص درخواست حمایت و پرداخت خسارت را از فروشنده مطرح کند.^۱

از سوی دیگر، درکنوانسیون برای اعمال قاعده‌ی مطابقت حقوقی کالا با قرارداد، تفاوتی ندارد که مورد معامله عین معین باشد یا کلی؛ اما در حقوق ایران در بحث ضمان درک، مبیع باید عین معین باشد (امامی، پیشین: ۴۵۹).

بنابراین، با توجه به اینکه در حقوق ایران، تفاوتی میان مستحق‌لغیردرآمدن مبیع ناشی از حق

نوع قصور در ایفای تعهدات خود را جبران کند یا در صورتی‌که مشتری مطابق مواد مذکور از قبول انجام تعهد بایع امتناع نماید، خریدار نمی‌تواند ثمن را کاهش دهد).

سؤال این است که آیا تقلیل ثمن در حقوق ایران نیز همانند کنوانسیون می‌تواند به‌عنوان ضمانت اجرای عام عدم انطباق محسوب گردد؟ به‌نظر می‌رسد مطالبه‌ی تقلیل ثمن توسط خریدار صرفاً درخصوص خیاریعیب (ماده‌ی ۴۲۲ قانون مدنی) و تبعض صفقه (ماده‌ی ۴۴۱ قانون مدنی) قابل اعمال است و لزوم احترام به آزادی اراده‌ی افراد و رعایت اصل آزادی قراردادی در مورد متعاملین و ازجمله بایع نیز مؤید چنین نظری است. به‌دلیل اینکه درواقع تقلیل ثمن ایجابی جدید از طرف خریدار محسوب می‌گردد و بایع هیچ التزامی به پذیرش آن نخواهد داشت (قاسمی، ۱۳۸۴: ۲۰۸). ضمن اینکه علی‌رغم شباهت‌هایی که میان ارش در حقوق ایران و تقلیل ثمن در کنوانسیون وجود دارد، تفاوت‌هایی نیز میان آن دو موجود است. ازجمله‌ی این تفاوت‌ها می‌توان به تفاوت در موضوع، قلمرو و نحوه‌ی محاسبه‌ی مبلغ در دو نهاد مزبور اشاره کرد (اسکینی وجعفریان، ۱۳۸۹: ۴۵ به بعد).

۲،۵ ضمانت اجرای عدم مطابقت حقوقی ناشی از ادعا یا حق مالکیت فکری ثالث در حقوق ایران

در حقوق ایران هیچ اشاره‌ای به مصون‌بودن کالا از حقوق یا ادعای شخص ثالث ناشی از مالکیت‌های صنعتی یا سایر انواع مالکیت‌های فکری نشده است. بنابراین، باید حکم قضیه را از طریق قیاس با حقوق یا ادعای شخص ثالث ناشی از مالکیت‌های غیرفکری استنتاج نمود. در حقوق ایران با توجه به مواد ۴۸۸ و ۴۸۹ قانون مدنی و مواد راجع به ضمان

(Schlechtrim, 1998: 71; Secretariat Commentary, 1979, at 104 §§2, 3, 4)

^۱ برای دیدن نظر موافق ر.ک: جمعی از نویسندگان، پیشین، ۱۵۰ و برای دیدن نظر مخالف ر.ک:

مالکیت فکری یا غیرمالکیت فکری ثالث وجود ندارد، مسؤولیت ناشی از حق مالکیت فکری ثالث بر بایع، تحت عنوان ضمان درک میباید در فروض ذیل قابل بررسی است.

در بررسی مسؤولیت بایع در رابطه بین خریدار و فروشنده، دو حالت متصور است. حالت اول: خریدار از فساد معامله آگاه است و می‌داند میباید متعلق به فروشنده نیست. در این حالت، اگر مالک مورد معامله را از وی بگیرد او صرفاً می‌تواند آنچه را به‌عنوان ثمن به فروشنده پرداخته است، استرداد نماید و حق مطالبه زیان‌هایی که در نتیجه‌ی برهم‌خوردن معامله به او وارد شده، نتیجه‌ی اقدام به کار نامشروع خود اوست و از این لحاظ حق مراجعه به بایع نخواهد داشت (ماده‌ی ۳۹۱ قانون مدنی).

حالت دوم جایی است که خریدار تصور می‌نماید که مورد معامله متعلق به فروشنده است که در این حالت، حق دارد علاوه بر مطالبه‌ی ثمن، خساراتی را هم که ممکن است متحمل شده باشد از فروشنده به‌عنوان سبب ورود خسارت مطالبه کند.

چنانچه در زمان رجوع خریدار به فروشنده، قیمت میباید کمتر از زمان معامله باشد این نقصان باعث کاهش ضمان فروشنده نمی‌شود و در هر حال فروشنده باید پولی را که بابت ثمن دریافت داشته است استرداد نماید (ماده‌ی ۳۹۲ قانون مدنی) در این ضمان علم و جهل خریدار به فساد معامله اثر نخواهد داشت (کاتوزیان، ۱/۱۳۸۷: ۲۲۷-۲۲۶).

در رابطه بین خریدار و مالک، باید این نکته را نیز متذکر شد که ثمن به‌سبب بطلان بیع به مالکیت خریدار باقی می‌ماند میباید نیز اگرچه در اختیار خریدار باشد و خریدار آن را تصرف نموده باشد، در مالکیت مالک حقیقی آن باقی می‌ماند.

درواقع بطلان بیع دستیابی خریدار را به میباید، غاصبانه نموده است؛ اگرچه او از فساد بیع ناآگاه باشد. به همین جهت ماده‌ی ۳۹۳ قانون مدنی در این مورد تصرفات، خریدار را مشمول تصرفات غاصب بر مال مغضوب موضوع ماده‌ی ۲۳۱۴ قرار داده است (محقق داماد، ۱۳۸۴: ۲۲۹).

با توجه به اینکه مقررات مربوط به ضمان درک و نیز مقررات فروش عین مرهونه در حقوق ایران، مختص اموال عین معین است، لذا در صورتی که میباید کلی باشد و متضمن حق شخص ثالث ناشی از مالکیت فکری باشد، همان‌طور که در فوق نیز اشاره شد، در چنین وضعی بایع به‌درستی وفای به عهد نکرده است و مشتری می‌تواند الزام او را در انتخاب فردی که قابل تملک برای خریدار است، از دادگاه بخواهد (کاتوزیان، ۱/۱۳۸۷: ۲۲۶). به این مفهوم که کالایی تسلیم نماید که از حقوق شخص ثالث ناشی از مالکیت فکری رها باشد.

علاوه بر مقررات مربوط به ضمان درک، از ملاک ماده‌ی ۷۹۳ قانون مدنی^۳ در خصوص تصرفات حقوقی مالک برخلاف حق مرتهن که برای وی متضمن یک حق عینی تبعی است، می‌توان در خصوص فروش مال متعلق حق مالکیت فکری شخص ثالث در حقوق ایران استفاده نمود؛ زیرا رهن حق انتقال مورد رهن را بدون اذن مرتهن به دیگری ندارد و این اقدام برخلاف حق مرتهن و غیرنافذ می‌باشد، لذا عمل مرتهن در حکم فضولی است و منوط به تنفیذ مرتهن می‌باشد (بروجردی عبده، ۱۳۸۰: ۳۹۷؛ کاتوزیان، ۲/۱۳۸۷: ۲۷۶؛ امامی، ۲/۱۳۸۲: ۳۶۸).

به هر حال در حقوق ایران، مستحق‌الغیردرآمدن میباید نمی‌تواند موجبی برای تقلیل ثمن باشد و همچنین فسخ قرارداد نیز در چنین حالتی

زیادی را نخواهد داشت، مگر اینکه آن زیادت، عین باشد که در این صورت، عین زاید متعلق به خود غاصب است.
^۳ ماده‌ی ۷۹۳ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «رهن نمی‌تواند در رهن تصرفی کند که منافی حق مرتهن باشد، مگر به اذن مرتهن».

^۱ مطابق ماده‌ی ۳۹۳ قانون مدنی: «راجع به زیادت که از عمل مشتری در میباید حاصل شده باشد، مقررات ماده‌ی ۳۱۴ مجری خواهد بود».

^۲ مطابق ماده‌ی ۳۱۴ قانون مدنی: «اگر در نتیجه‌ی عمل غاصب قیمت مال مغضوب زیاد شود، غاصب حق مطالبه‌ی قیمت

معامله و با وجود علم به حق یا ادعای ثالث در حقیقت مبیع را همراه با حق ثالث پذیرفته است و حق خود را نسبت به فروشنده ساقط و به ضرر خود اقدام کرده است.

البته برخلاف حکم مادهی ۴۲ کنوانسیون، در حقوق ایران آنچه موجب از بین رفتن مسؤولیت بایع می‌باشد، آگاهی و علم شخصی واقعی خریدار نسبت به حق شخص ثالث است و آگاهی و علم نوعی وی تأثیری بر مسؤولیت بایع ندارد.

برخلاف مادهی ۴۳ کنوانسیون که خریدار را مکلف به ارسال یادداشت به بایع راجع به حق یا ادعای شخص ثالث ظرف مدت معقول نموده است، در حقوق ایران خریدار چنین تکلیفی را بر عهده ندارد و وی در هر مقطع زمانی می‌تواند در مقابل بایع به حق یا ادعای شخص ثالث ناشی از مالکیت فکری استناد نماید.

۲،۵،۲ ضمانت اجرای عدم مطابقت حقوقی ناشی از ادعای مالکیت فکری ثالث

منظور از ادعا این است که اظهار شخص مدعی در دادگاه به اثبات نرسیده باشد؛ زیرا در صورت اثبات ادعا دیگر عنوان ادعا بر آن صدق نمی‌کند و تبدیل به حق می‌گردد. در حقوق ایران، در فرض ادعاهای مبتنی بر مالکیت فکری ثالث مقرره‌ی خاصی وجود ندارد، اما می‌توان بر اساس قواعد عام به حکم آن پی برد. در صورتی که این قبیل ادعاها مزاحمت عملی در استفاده از مبیع ایجاد نماید، نشان‌دهنده‌ی عیب یا نقصان در حق بایع یا امکان تصرف کامل و بی-قید و شرط مبیع بوده و خریدار را مجاز در فسخ قرارداد می‌کند. به عبارت دیگر، چنانچه مبنای مادهی ۴۸۸ قانون مدنی حمایت از حقوق خریدار و مطابقت کالای تحویلی با آنچه موضوع قرارداد باشد، دیگر تفاوتی ندارد که منشأ عدم مطابقت ادعای حق

موضوعیت نمی‌یابد؛ زیرا همان‌طور که در فوق ذکر گردید، در حقوق ایران در صورتی که مبیع مستحق-لغیر درآید، خواه ناشی از مالکیت فکری و یا غیرفکری ثالث باشد و مالک، معامله را تنفیذ نماید، معامله فاقد اعتبار و باطل بوده و امکان فسخ آن وجود نخواهد داشت.

از مقررات قانون مدنی در مورد حق انتفاع نیز نمی‌توان برای ایجاد حق فسخ برای انتقال‌گیرنده استفاده نمود. زیرا طبق مادهی ۵۳ قانون مدنی انتقال عین از طرف مالک به غیر برای مالی که دیگری نسبت به آن دارای حق انتفاع است، موجب بطلان حق انتفاع نمی‌شود؛ اما منتقل‌الیه جاهل اختیار فسخ معامله را دارد (مادهی ۵۳ قانون مدنی). به تعبیر دیگر در این فرض، مالک عین مال حق انتقال آن را به دیگری دارد و این انتقال خللی به حق دارنده‌ی حق انتفاع وارد نمی‌کند. لذا انتقال عین همیشه با رعایت حق منتفع انجام می‌شود و انتقال-گیرنده نیز قائم مقام مالک است (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۲۳۰). اما فرض مورد بحث، مالک عین مال، حق انتقال عین مال را به دیگری در فرض وجود حق ناشی از مالکیت فکری ثالث ندارد؛ زیرا این انتقال از سوی بایع با حق شخص ثالث ناشی از مالکیت فکری در تعارض است؛ زیرا همان‌طور که حقوق-دانان بیان داشته‌اند، حق مالکیت فکری امتیاز انتفاع از پدیده‌ی ادبی و هنری یا فعالیت خاص برای شخص است و به همین مناسبت هم به مالکیت تعبیر می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۲۴، صفایی، ۱۳۹۱: ۲۵۴ و ۲۵۸).

همانند کنوانسیون، مطابق مقررات حقوق ایران نیز چنانچه خریدار از مصون نبودن مبیع از حق شخص ثالث خواه ناشی از مالکیت فکری ثالث و یا غیرمالکیت فکری آگاه بوده باشد، بایع مسؤول جبران خسارت نمی‌باشد. مواد ۲۶۳ و ۳۹۱ قانون مدنی دلالت بر این امر دارند؛ زیرا خریدار با ورود به

فسخ نمود، می‌تواند برای رفع مزاحمت و مطالبه‌ی اجرت‌المثل به خود مزاحم رجوع کند و اگر مزاحمت بعد از قبض واقع شود، حق فسخ ندارد و فقط می‌تواند به مزاحم رجوع کند.

۱ مادهی ۴۸۸ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «اگر شخص ثالثی بدون ادعای حقی در عین مستاجر یا منافع آن مزاحم مستاجر گردد در صورتی که قبل از قبض باشد، مستاجر حق فسخ دارد و اگر



ادعای شخص ثالث تنها در صورتی موجب مسؤولیت بایع خواهد بود که ادعا موجه بوده و بی‌اساس و بی‌مبنا نباشد.

در حقوق ایران بر مبنای شرط ضمنی عرفی نیز می‌توان برای خریدار، حق فسخ قائل شد. به این معنا که بایع بر مبنای شرط ضمنی عرفی مکلف به تسلیم کالایی به خریدار است که مصون از ادعای شخص ثالث ناشی از مالکیت فکری باشد؛ زیرا شرط ضمنی عرفی، شرطی است که نه پیش از عقد و نه در متن عقد ذکر نمی‌شود، بلکه از عرف و عادت رایج فهمیده می‌شود. در واقع، چنین شرطی در میان عرف، رایج و شایع است، به گونه‌ای که عرف میان آن و قرارداد، تلازم برقرار می‌کند و از آنجاکه به دلالت التزامی، با ایجاد ملزوم، لازم نیز وجود می‌یابد، در نتیجه با انشای قرارداد، شرط ضمنی نیز که لازمه‌ی عرفی قرارداد است، ایجاد می‌گردد (سیمایی صراف، ۱۳۷۷: ۸۵-۸۱). لذا در فرض مورد بحث نیز، تعهدی عرفی در ضمن قرارداد بر عهده‌ی بایع قرار می‌گیرد که به موجب آن بایع باید از تسلیم کالایی که مورد ادعای مالکیت فکری شخص ثالث است، اجتناب نماید. تخلف از این شرط در حقوق ایران می‌تواند مشمول ضمانت اجرای تخلف از شرط قرار بگیرد و در نتیجه برای خریدار حق فسخ عقد بیع را به وجود آورد.

۳ نتیجه‌گیری

با توجه به ماده‌ی ۴۲ کنوانسیون وین و مواد ۳۹۰ و ۳۹۱ قانون مدنی ایران، تسلیم مبیعی که موضوع حق یا ادعای شخص ثالث می‌باشد، در واقع نقض تعهد او به انتقال مالکیت مبیع و تسلیم آن است. در نتیجه، اگر بایع کالایی را تسلیم نماید که مصون از حق یا ادعای شخص ثالث نباشد، در قبال مشتری مسؤول است. علاوه بر این، چنانچه خریدار عالم باشد که مبیع موضوع حق یا ادعای مالکیت فکری شخص ثالث است بایع مسؤول جبران خسارت نمی‌باشد. فارغ از این شباهت‌ها، در حقوق ایران هیچ‌گونه اشاره‌ای به مصون بودن کالا از حقوق یا

انتفاع باشد یا داشتن امتیاز انحصاری. وجود ادعاهای مبتنی بر مالکیت فکری نیز به خریدار حق فسخ می‌دهد حتی اگر بعد از قبض مبیع باشد. در قوانین مربوط به مالکیت معنوی می‌توان مبنای بحث را ملاحظه نمود. مثلاً ماده‌ی ۲۹ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان مصوب ۱۳۴۸ مقرر می‌دارد که مراجع قضایی می‌توانند ضمن رسیدگی به شکایت شاکی خصوصی نسبت به جلوگیری از نشر و پخش و عرضه‌ی آثار مورد شکایت و ضبط آن دستور لازم را صادر نمایند. نتیجه‌ی اجرای این ماده، محرومیت خریدار از تصرف در مبیع است. مواد ۶۳ و ۶۴ آیین‌نامه‌ی اصلاحی قانون ثبت علائم تجاری و اختراعات مصوب ۱۳۳۷ مقرر می‌دارد که دارنده‌ی هر علامت تجاری و ورقه‌ی اختراع می‌تواند از دادگاه بخواهد تا محصولات را که به ادعای او با حق حاصل از علامت تجاری و یا اختراع آن‌ها مخالف است، توقیف نماید. در این مورد که توقیف کالا موجب محرومیت از تصرف در آن می‌گردد، باید به خریدار حق فسخ داد ولو اینکه ادعاهای مزبور بعد از قبض مبیع مطرح گردد؛ زیرا چنین ادعاهایی مانع تصرف آزادانه‌ی مبیع می‌باشد (عبدی پورپرتو، ۱۳۹۰: ۲۱۳). اطلاق این نظر، هر چند موافق با مقررات کنوانسیون می‌باشد اما برخلاف ظاهر ماده‌ی ۴۸۸ قانون مدنی است. این ماده در صورتی خریدار را مجاز در فسخ قرارداد می‌کند که اولاً این قبیل ادعاها مزاحمت عملی در استفاده از مبیع ایجاد نماید که این امر نشان‌دهنده‌ی عیب یا نقصان در حق بایع یا امکان تصرف کامل و بی‌قید و شرط مبیع بوده و ثانیاً این مزاحمت‌های عملی پیش از تسلیم مبیع به خریدار باشد. اگر مزاحمت‌های عملی پس از تسلیم مبیع به خریدار باشد با توجه به ماده‌ی ۴۸۸ قانون مدنی، خریدار حق فسخ ندارد و تنها می‌تواند به مزاحم برای دریافت اجرت‌المثل رجوع نماید.

برخلاف کنوانسیون وین که هر نوع ادعا اعم از موجه و واهی از سوی شخص ثالث موجب ایجاد مسؤولیت برای بایع می‌گردد (Lookofsky, 2000: 41-5 & Ackerman, 1992: 111)، در حقوق ایران

علاوه بر این، چنانچه کالا مطابقت حقوقی با قرارداد نداشته باشد ضمانت اجرای کنوانسیون عبارت است از: درخواست اجرای عین تعهد، مطالبه-ی خسارت و ضرر و زیان، تقلیل ثمن و فسخ قرارداد. در حقوق ایران در فرضی که مبیع مستحق‌لغیر درآید و مالک مال معامله را تنفیذ ننماید، معامله باطل بوده و مشتری علاوه بر استرداد ثمن، در فرض عدم آگاهی می‌تواند خسارت را نیز مطالبه کند. در حقوق ایران شرطی شکلی، برای استناد به عدم مطابقت حقوقی ناشی از مالکیت فکری ثالث، وجود ندارد. اما در کنوانسیون وین بر اساس بند ۱ ماده‌ی ۴۳، شرط شکلی استناد به عدم مطابقت حقوقی ناشی از مالکیت فکری ثالث، اخطار ظرف مدت متعارف و معقول به بایع است.

ادعای شخص ثالث ناشی از مالکیت‌های صنعتی یا سایر انواع مالکیت‌های فکری نشده است. بنابراین، باید مسؤولیت بایع را در قبال حقوق و ادعای مالکیت فکری ثالث از طریق قیاس با حقوق یا ادعای شخص ثالث ناشی از مالکیت‌های غیرفکری استنتاج نمود. درحالی‌که کنوانسیون براساس ماده-ی ۴۱ و ۴۲ خود، حق و ادعای ثالث ناشی از مالکیت فکری را از حق و ادعای ثالث ناشی از مالکیت غیرفکری تفکیک نمود. از سوی دیگر در کنوانسیون برای اعمال قاعده‌ی مطابقت حقوقی کالا با قرارداد، تفاوتی ندارد که مورد معامله عین معین باشد یا کلی؛ اما در حقوق ایران در بحث ضمان درک، مبیع باید عین معین باشد.

منابع

- A group of authors (1995), An Interpretation of International Sale Law, Translated by Mehrab darab pour, Volume II, Tehran: ganje danesh publications.
- A group of authors (2007), Comparative Civil Law (Marriage of Dr. Hossein Safaei), Tehran: Samt publications.
- Abdi pour, Ebrahim, hamidreza partov (2011), Discussion on non-compliance of the product and guarantee of its implementation, Journal of the Faculty of Law and Political Science, Volume 42, No. 2.
- Asghari aghmashhadi, fakhroddin (2012), An Introduction to Intellectual Property Rights, Babolsar: University of Mazandaran Publications.
- Ayati, Hamid (1996), The rights of intellectual creations with emphasis on the rights of literary and artistic creations, Tehran: Hoghoghdan Publications.
- Borojerdi abdeh, mohammad (2001), Civil law, Tehran: ganje danesh publications.
- Drahos, Peter (2012), Philosophy of intellectual property, Translated by Mahmoud hekmat nia, Tehran: Pajoheshgahe Farhang va Andisheh Eslami.
- Eskini, rabia & alireza jaefarian (2010), A study of Arsh in Iranian law and Imami jurisprudence and its difference with price reduction in the International Sale Convention, Journal of Islamic knowledge and law, No. 1.
- Emami,hasan (2003), Civil Law, Tehran: Eslamieh Publications.



- Emami, Asadollah (2007), Intellectual property rights, first volume, Tehran: Mizan Publications.
- Ghasemi, Mohsen (2005), Compensation for breach of contract in the Convention on the International Sale of Goods, Journal of International Legal Services of the Islamic Republic of Iran, No. 32.
- Journal of daftare beinolmelali(1988), United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods (1980), translated by Journal of daftare beinolmelali, No. 9.
- Hamiati vaghef, ahmad ali (2011), Intellectual Property, Tehran: Javdaneh publications.
- Mohaghegh Damad, Mostafa (2005). Rules of Jurisprudence (Civil Section 2), sixth edition, Tehran, Samt Publications.
- Safaei, Seyed Hossein (2012), Persons and property, Tehran: Mizan Publications.
- Safaei, Seyed Hossein, Kazemi, Mahmoud, Adel, Morteza, Mirzanjad, Akbar (2013), International Sale Law Review of International Sale Law 1980, with a Comparative Study, Tehran: University of Tehran Publications.
- Sedighi, Iraj (1995), New uniform international sales law of the UN Convention, Journal of daftare beinolmelali, No. 14.
- Shiravi, Abdolhossein (2010), International Trade Law, Tehran: Samt publications.
- Simaei Saraf, Hossein (1998), Implicit condition in Iranian law with comparative study, Quarterly of Vaghfe Javidan, No.22.
- Katouzian, Naser (2007), Property and ownership, Tehran: Mizan Publications.
- Katouzian, Naser (2008), Certain Contracts, Volumes I and II, Tehran: sherkate sahami enteshar.
- Ackerman, grant,(1992), U.N Convention on Contracts for International Sale of Goods, Annotated, Boston.
- Beline, Thomas M.(2007) "Legal Defect Protected by Article 42 of the CISG: A Wolf in Sheep's Clothing". University of Pittsburgh Journal of Technology Law & Policy. 7: 1-29.
- Commentary on the Draft Convention on Contracts for the International Sale of Goods(14 March 1979), prepared by the Secretariat A/Conf. 97/5, reprinted in O.R. (Secretariat Commentary), at 104 §§2, 3, 4.
- Date-Bah, Samuel K(1987), in Bianca-Bonell Commentary on the International Sales Law, Giuffre Milan.
- Enderlein, Fritz, Maskow, Dietrich,(1992), International Sales Law, Oceana Publications.
- Enderlein, Fritz(1996), Rights and Obligations of The Seller Under the Un Convention on Contracts for The International Sale of Goods, PetarSarcevic& Paul Volken eds., International Sale of Goods: Dubrovnik

- Lectures, Oceana, Oceana Publications.
- Ferrari, Franco(2006), "Fundamental Breach of Contract Under the UN Sales Convention, 25 Years of Article 25 CISG", *Journal of Law and Commerce*, Spring, Pp 489-508.
- Flechtner, Harry M.,(2005), Buyers' Remedies in General and Buyers' Performance-Oriented Remedies, 25 *Journal of Law and Commerce*, 339-347.
- Honnold, John,(1991), *Uniform Law for International Sales Under the 1980 United Nations Convention*, Kluwer law international, Boston.
- Huber, peter & Mullis, Alastair(2007), *The CISG: A New Textbook for Students and Practitioners*, Sellier.
- Institute of International Commercial Law. United Nations Commission on International Trade Law. UNCITRAL Digest of Case Law on the United Nations Convention on the International Sale of Goods. Accessed June 8, 2004, <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/text/anno-art-42.html#ud>.
- Janal, Ruth M(2008), "The Seller's Responsibility for Third Party Intellectual Property Rights under the Vienna Sales Convention", Andersen & Ulrich G. Schroeter eds., *Sharing International Commercial Law across National Boundaries: Festschrift for Albert H. Kritzer on the Occasion of his Eightieth Birthday*, Wildy, Simmonds & Hill Publishing, 203-231.
- Kritzer, Albert H,(1989), *Guide to Practical Applications of the United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods* Kluwer Law and Taxation Publishers, Debenter, Boston.
- Liu, Chengwei(2005), *Price Reduction for Non-Conformity: Perspectives from the CISG, UNIDROIT Principles, PECL and Case Law*, 2nd edition: Case annotated Update, China.
- Lookofsky, Joseph,(2000), *The 1980 United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods*, Kluwer Law International, The Hague.
- Piliounis, Peter A.,(Spring 2000), *The Remedies of Specific Performance, Price Reduction and Additional Time(Nachfrist) under the CISG: Are these worthwhile changes or additions to English Sales Law?*, 12 *Pace International Law Review*. 1-46.
- Rauda Christian & Etier Guillaume,(2000), "Warranty for Intellectual Property Rights in the International Sale of Goods", [4 Vindobona Journal](#), 30.
- Schlechtriem, Peter.(1984) *The Seller's Obligations Under the United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods*, Matthew Bender, Germany, [Juris Publishing](#).
- Schlechtriem, Peter.(1986) *Uniform Sales Law-the UN Convention on Contracts for the*



- International Sale of Goods*.
Vienna: Manz,
- Schlechtrim, Peter,(1998), UN Law on International Sales: The UN Convention on the International Sale of Goods, Translated by Geoffrey Thomas, 2ed., Oxford University Press.
- Schwerha , Joseph J.,(1995) "[U.S.], Warranties against Infringement in the Sale of Goods: A comparison of UCC 2-312(3) and Article 42 of the UN Convention of Contracts for the International Sale of Goods", 16 Michigan J. Int'l L. 441-483.
- Shinn, Albert,(1993), "*Liabilities under Article 42 of the UN Convention on Contracts for The*
- International Sale of Goods*" 2
Minn. J. Global Trade. 116.
- Sono, Kazuaki(1986), *Formation of International Contracts under the Vienna Convention: A Shift above the Comparative Law*, in Sarcevic, P & Volken, p (eds), *International sale of Goods: Dubrovnik Lectures*, Oceana.
- Will, Michael(1987) in *Bianca-Bonell Commentary on the International Sales Law*, Giuffre Milan.
- Vanduzer, J Anthony(2001), *A Sellers Responsibility for Third Party Intellectual Property Claims: Are the UN Sales Convention Rules Better?*, Canadian International lawyer.

منابع اینترنتی

<http://www.cisg.law.pace.edu>

<http://www.unilex.info>

<http://www.Wipo.Int>